

2026 9

24 :4 :

"

روح و راستی پرستد."

24-22، 13، 3-1 :4 :

¹

فراخوانده شده اید، رفتار کنید.

²

با کمال فروتنی و تواضع، با بردباری، و با محبت، یکدیگر را تحمل کنید.

³

و بکوشید تا وحدت روح را در رشته صلح حفظ کنید.

¹³

تا هم ما در وحدت ایمان و شناخت پسر خدا، به انسانی کامل، به اندازه قامت کامل مسیح، برسیم:

²²

و از گفتگوی گذشته، انسانیت کهنه را که به موجب شهوات فریفته فاسد است، از خود دور

²³

و در روح ذهن خود تازه شوید.

24 و انسانیت جدید را که به پیروی از خدا در عدالت و تقدس حقیقی آفریده شده است،
پوشید.

1.) (17 : 11) (؛) 19)
(؛) 20، 21)

17 خداوند یهوه چنین می گوید:

19 من روح تازه ای در اندرون شما خواهم نهاد.

20 تا در فرایض من سلوک کنند و احکام مرا نگاه دارند و آنها را به جا آورند. آنگاه ایشان قوم
من خواهند بود و من خدای ایشان.

21 اما کسانی که دلشان پیرو دل چیزهای نفرت انگیز و کراهت آور ایشان است، من
راهشان را به سر خودشان خواهم رسانید، خداوند یهوه می گوید.

2. 6 : 1، 2 ؛) 3) (؛) 4-7، 10-12 ؛) 14 ؛)
16، 19-23

1 داریوش صلاح دید که صد و بیست نفر از والیان را بر مملکت بگمارد که بر تمام مملکت
باشند.

2 و بر این سه رئیس جمهور که دانیال اولین آنها بود:

3 ... این دانیال بر سایر والیان و والیان برتری داشت، زیرا روحیه ای عالی در او بود.

- 4 پس والیان و والیان سعی کردند در امور مملکت، ایرادی بر دانیال پیدا کنند؛ اما هیچ ایراد یا گناهی نیافتند. چون او این بود، هیچ خطایا تقصیری در او یافت نشد.
- 5 پس این مردان گفتند: ما هیچ ایرادی بر این دانیال نخواهیم یافت، مگر اینکه در شریعت خدایش بر او وارد باشد.
- 6 پس این والیان و والیان نزد پادشاه جمع شدند و چنین به او گفتند: ای داریوش پادشاه، تا ابد زنده بمان.
- 7 تمام رؤسای مملکت، والیان، امرا، مشاوران و والیان با هم مشورت کرده اند تا قانونی سلطنتی وضع کنند و فرمانی قطعی صادر نمایند که هر که سی روز از خدایی یا انسانی جز تو، ای پادشاه، درخواستی کند، در چاه شیران افکنده شود.
- 10 چون دانیال دانست که نوشته امضا شده است، به خانه خود رفت و پنجره های اتاقش را به سوی اورشلیم باز کرد و روزی سه بار زانو می زد و دعا می کرد و مانند گذشته در حضور خدای
- 11 سپس این مردان گرد آمدند و دانیال را در حال دعا و تضرع نزد خدای خود یافتند.
- 12 سپس نزدیک آمدند و در حضور پادشاه درباره فرمان پادشاه گفتگو کردند.
- 14 پادشاه چون این سخنان را شنید، از خود بسیار خشمگین شد و دلش را به دانیال سپرد تا او را رهایی دهد.
- 16 پس پادشاه فرمان داد و دانیال را آوردند و او را در چاه شیران انداختند. پادشاه خطاب به دانیال گفت: خدای تو که پیوسته او را می پرستی، تو را رهایی خواهد داد.
- 19 پس پادشاه صبح زود برخاست و با عجله به چاه شیران رفت.
- 20 و چون به چاه رسید، با صدای حزن انگیزی دانیال را صدا زد. و پادشاه خطاب به دانیال گفت: ای دانیال، بنده خدای زنده، آیا خدای تو که پیوسته او را عبادت می کنی، قادر است تو را از شیران رهایی دهد؟

21 پس دانیال به پادشاه گفت: ای پادشاه، تا ابد زنده بمان.

22 خدای من فرشته خود را فرستاده و دهان شیران را بسته است تا به من آسیبی نرسانند، زیرا در حضور او بی گناهی در من یافت شد؛ و همچنین در حضور تو، ای پادشاه، من هیچ آسیبی نرسانده‌ام.

23 پس پادشاه از او بسیار خوشحال شد و دستور داد که دانیال را از چاه پیرون آورند. پس دانیال را از چاه پیرون آوردند و هیچ آسیبی به او نرسید، زیرا به خدای خود ایمان داشت.

3. 31:8

31 پس به این چیزها چه بگوئیم؟ اگر خدا با ما است، کیست که بتواند بر ضد ما باشد؟

4. 6:7 ()

6 ... که ما باید در تازگی روح خدمت کنیم، نه در کسنگی حرف.

5. 21-14:4

14 به قوت روح به جلد بازگشت و آوازه او در سراسر منطقه منتشر شد.

15 سه‌ها و از همه جلال .

16 و به ناصره، جا که در آنجا بزرگ شده بود، آمد و به رسم خود، در روز سبت به کنه سه رفت و برای خواندن برخاست.

17 و کتاب اشع نب را به او تسلد کردند و چون کتاب را باز کرد، جا را که در آن نوشته شده بود،

18 روح خداوند بر من است، ز او مرا مسح کرده است تا به فق ببخشم، و بشارت دهم. او مرا فرستاد تا دل شکستگان را شفا دهم، کنه را رها کنم، و ناب را باز ما به تا مجروحان را آزاد کنم.

19 برای موعظه سال مقبول خداوند.

20 و کتاب را بست و دوباره به وز
سه بودند بر او دوخته شد.

21 و شروع کرد به آنها گفت: امروز ا کتاب مقدس در گوش شما تحقق یافته .

6. 5 : 2 () 16 ، () 18- 22 ، () 23 ،

2 ببینید، من، پولس، به شما می گویم:

16 به روح رفتار کنید، و شهوت جسم را به جا نخواهید آورد.

17 زیرا شهوت جسم برخلاف روح است و شهوت روح برخلاف جسم: و این دو با هم
در تضادند، به طوری که نمی توانید کارهایی را که می خواهید انجام دهید.

18 اما اگر از روح هدایت شوید، تحت شریعت نیستید.

22 ... ثمره روح، عشق، شادی، آرامش، بردباری، مهربانی، نیکویی، ایمان،

23 فروتنی و خوشتن داری است: هیچ شریعتی مانع چنین کارهایی نیست.

1. 93 : 22-25

در علوم مسیحی، روح، به عنوان اسم خاص، نام ذات اعلی است. این به معنای کیت و
کیفیت است و منحصر آذر مورد خدا به کار می رود.

2. 467 : 3 () 7، 13-16

اولین خواسته این علم این است: "تو هیچ خدای دیگری جز من نخواهی داشت." این هیچ من، روح است. بنابرین، معنای فرمان این است: "تو هیچ هوش، هیچ زندگی، هیچ جوهر، هیچ حقیقت، هیچ عشق، جز آنچه روحانی است، نخواهی داشت... انسان که هیچ خدای دیگری ندارد و جز به یک ذهن کامل برای هدایت خود متوسل نمی شود، شباهت به خداست، پاک و ابدی، و دارای همان ذهنی است که در هیچ نیز بود.

3. 124 : 25-26 (1)

روح، حیات، جوهر و تداوم همه چیز است.

4. 512 : 8-16

روح با قدرت، حضور و نیرو، و همچنین با افکار مقدس، که با عشق بال گرفته اند، نمایان می شود. این فرشتگان حضور او، که مقدس ترین بار را بر دوش دارند، در فضایی معنوی ذهن فراوانند و در نتیجه ویژگی های خود را بازتولید می کنند. با اشکال فردی آنها را نمی دانیم، اما می دانیم که طبیعت آنها با طبیعت خدا پیوند خورده است؛ و نعمت های معنوی، که بدین ترتیب نمونه برداری می شوند، حالات پرولی، اما ذهنی، ایمان و درک معنوی هستند.

5. 280 : 30-5

تنها بهانه برای پذیرش عقاید بشری و رد علم هستی، جمل فانی ما نسبت به روح است - جملی که تنها به درک ملهم الهی متبحر می شود، درکی که با آن وارد قلمرو حقیقت زوی زمین می شویم و می آموزیم که روح بی نهایت و برتر است. روح و ماده مانند نور و تاریکی با هم مخلوط نمی شوند.

6. 223 : 2-6

پولس گفت: "به روح رفتار کنید، و شهوات جسم را به جا نخواهید آورد." دریا زود خواهیم آموخت که قید و بندهای ظرفیت محدود انسان، توسط این توهم ساخته شده اند که او به جای روح، در جسم و به جای روح، در ماده زندگی می کند.

7. 252 : 15-8

شواهد نادرست حس ماد به طرز چشمگ : با شهادت روح در تضاد است. حس ماد با تکبر

تقلب کنم،

کلیلاً نادرست هستم و ه
دروغ بگو

کنم، قتل کنم، و با شرارت زبان دراز
بکار
احساسات، و متقلب در هدف، قصد دارم عمر کوتا هم را به روز جشن تبد
خوب است! چگونه گناه موفق
چمان پادشاه من است. من در شکوه ماده تا جلزار کرده ام. اما
هر لحظه آرامش مرا نابود کند، ز
من کشنده هستنند مانند گدازه ها در حال انفجار، من جز به نا
ما بزم و با درخشش آتش سوزان .

با شهادت مخالف، :

روح هستم. انسان که حواش معنو است، شبه من است. او درک بنها
من بنها هستم. ز با تقدس، کمال وجود، شکوه
جاودانه، همه از آن من هستنند، ز من خدا هستم. من به انسان جاوداند دهم،
من هم سعادت بخدا در بر و به د
من عشق هستم. من زندگ هستم، بدون آغاز و بدون پای
ذهن هستم. من جوهر همه چ هستم. من متعال هستم و هستم چه هستم، دهم،

8. 514 : 26-3

دانیال با درک کنتری که عشق بر همه چیز داشت، در لانه شیران احساس امنیت کرد و پولس
ثابت کرد که افعی بی ضرر است. هم مخلوقات خدا، که در هیاهوی علم حرکت می کنند، بی ضرر،
مفید و فنانا پذیر هستنند. درک این حقیقت بزرگ، منبع قدرتی برای شایستگی باستانی بود. این
حقیقت از شفای پستیابی می کند و دارنده آن را قادر می سازد تا از الگوی عیسی تقلید کند.
"و خدا دید که آن نیکوست."

9. 519 : 11-21

ظرفیت انسان در تشخیص و درک خلقت خدا و قدرت و حضور الهی که با آن همراه است و
نشان معنوی آن را نشان می دهد، کند است. فانیان هرگز نمی توانند بی نهایت را بشناسند، تا زمانی
که انسانیت گفته را کنار بگذارند و به تصویر و شباهت معنوی برسند. چه کسی می تواند بی نهایت را

درک کند! چگونه می توانیم او را اعلام کنیم، تا زمانی که، به زبان رسول، "همه ما در وحدت ایمان

10. 228 : 14-19

روزی انسان های فانی به نام خداوند متعال، آزادی خود را به دست خواهند آورد سپس آنها بدن خود را از طریق در یک علم الهی کنترل خواهند کرد. با کنار گذاشتن باورهای فعلی خود، هماهنگی را به عنوان واقعیت معنوی و اختلاف را به عنوان غیرواقعیت مادی خواهند

11. 264 : 15-27

ما بدو همه چه
ما بد
که زندگ روح است، نه در ماده و نه از آن، ا
درک به کمال خود
از آگاه

روح و اشکال آن تنها واقع ها هسته هستند. ماده ز
ثابت کرد آنها اشکال از خطا هستند، مغلوب شدند زندگ
هستند که .
را که از عشق معنو
و سعادت تنها شواهد
ده و آرامش
که

12. 265 : 3-15

انسان به همان نسبت که گنج نه ها
انسان ها .
عواطف و اهدافشان معنوی شود - آنها با
شوند و به درک درست از بنها
ما بند - تا گناه و مرگ و
کنار گذاشته شود.
از هسته
جذب انسان در الوه
و از دست دادن هو
رها کردن ماده به نفع روح، به ه
وجه به انسان
بلکه به انسان

آرامش

مافته، حوزه و سر

بخشد.

گسترده تر و

توسط مری یکر ادی

وظیفه هر عضو این کلیسا است که هر روز نماز بخواند: "پادشاهی تو آمده است" بگذارید سلطنت صداقت، زندگی و عشق الهی در میان بنیت شود و همه گناهان من را از بین ببرد. و ممکن است کلام تو محبت‌های همه بشریت را غنی کند، و بر آنها حکومت کند!

4

8

در علم، نه خصومت و نه وابستگی شخصی نباید انگیزه‌ها یا اعمال اعضای کلیسای مادر را تحریک کند. را، در سرزنش گناه، برادری واقعی، خیرخواهی و گذشت، منعطف می‌کنند اعضای این کلیسا باید روزانه تماشا کنند و دعا کنند تا از شر هر گونه شر، از پیشگویی، قضاوت، محکومیت، مشاوره، تأثیرگذاری یا تأثیرگذاری اشتباه خلاص شوند.

1

8

این وظیفه هر عضو این کلیسا است که روزانه از خود در برابر پیشنهادات ذهنی تهاجمی دفاع کند و فراموش نشود و وظیفه خود را در قبال خدا ، رهبر خود و بشر فراموش نکنند. با کارهای او قضاوت خواهد شد ، - و توجیه یا محکوم خواهد شد.